

مجله پژوهش های اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پنجم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۰

درآمدی توصیفی - تحلیلی بر شیوه های گفت و گو در قرآن کریم* (رویکرد اخلاقی و زبانی)

دکتر تورج زینی‌وند

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی کرمانشاه

دکتر حسین وحید دستجردی

استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه اصفهان

چکیده

قرآن کریم به عنوان حقیقتی جاودان، همواره در گذر عصرها، از زوایای گوناگون مورد توجه اندیشمندان، قرار گرفته است. به نظر می‌رسد در دنیای معاصر که اسلام به نادرستی به عنوان؛ «دین خشونت» و «ترور» معرفی شده است، بررسی مسأله «گفت و گو» و روش‌های آن در قرآن کریم و پیوند میان «نظریه» های قرآنی، و «کاربرد» جهانی و امروزی آنها، موضوع مهمی به شمار می‌رود که می‌تواند در هزاره تردید میان «برخورد» یا «گفت و گو»، راهگشای بسیاری از مسایل پیچیده جهان امروزی باشد. در پژوهش حاضر، موضوع گفت و گوهای قرآنی، با تأکید بر رویکرد اخلاقی و زبانی آنها، مورد بررسی، قرار گرفته است. یافته اساسی آن نیز، چنین است که قرآن کریم در جریان گفت و گو با تأکید بر شاخص های اخلاقی در پی هدایت و کمال روحی و معنوی انسان بوده و برای رسیدن به چنین مقصودی از گونه های ترکیبی زبان (زبان فطرت، زبان پرستش، زبان استدلال، زبان مشترک، زبان عاطفه و...) بهره جسته است.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۱۸
نشانی پست الکترونیک نویسنده: T_zinivand56@yahoo.com

دو محور اساسی این پژوهش، عبارتند از: الف) مقدمه ای در بیان اهمیت و جایگاه گفتگو در قرآن کریم و تعریف کلیات پژوهش. ب) رویکردی اخلاقی و زبانی بر موضوعها و روشهای گفتگو در قرآن کریم با تأکید بر پیوند میان نظریه‌های قرآنی و کاربرد امروزی آنها.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، گفتگو، زبان، اخلاق، اسلام، غرب.

۱. مقدمه

واژه گفتگو در زبان فارسی به معنای؛ «مکالمه»، «مباحثه»، «مجادله»، «گفت» و «شنود»، «سخن گفتن» «مذاکره کردن» و «گفتار» آمده است (دهخدا، بی تا، ۴۱: ۳۳۶). در زبان عربی، واژه «حوار» برابر گفتگو است. این واژه از نظر مفهومی، پیوندی بنیادین با دو واژه «جدل» و «مناقشه» دارد. از این رو، در معنای آن گفته شده است: حاوره محاوره و حواراً: جادلُهُ، و المحاوره: المجاوبه أو مراجعة النطق و الكلام المخاطب، و التّحاور: التّجاوب (ر. ک: ابن منظور، ۱۴۰۸: ریشه‌ی «ح و ر»).

در تعریف اصطلاحی آن نیز گفته شده است: «جمله گفتگو، جمله‌ای است که [بین دو طرف] در یک گفتگو و گوی قصه گونه، یا در پاسخ به یک پرسش، مطرح می‌شود». در تعریف دیگری نیز آمده است: «گفتگو، زمانی به وجود می‌آید که ذهن درباره یک مجهول [موضوع یا مسأله] به کاوش می‌پردازد و در چنین زمانی است که خرد آدمی، وارد میدان شده و برای پاسخگویی به آن مجهول به تلاش و گفتگو بر می‌خیزد» (ابراهیم فرج، ۱۴۲۸: ۷/۱).

برخی دیگر نیز مقصود از گفتگو را اینگونه تعبیر نموده‌اند: «همان سخنانی است که بدنبال ارتباط دو شخص یا بیشتر و در پی موقعیت‌ها و رویدادهای گوناگون، صورت می‌گیرد. و در آن از افکار و احساسات با چارچوب‌های؛

شخصی، دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و ... سخن به میان می‌آید» (حسینی، ۱۴۱۶: ۸۳ و ۸۴).

همانطور که ملاحظه می‌شود، وجه مشترک این تعریف‌ها، تلاش برای رسیدن به یک هدف مشترک است و آن هدف مشترک، «کسب معرفت» نسبت به خود و دیگران است.

البته، لازم است که در اینجا به تفاوت «گفتگو»^۱ و «گفتمان»^۲ نیز اشاره کنیم. تعریف گفتگو، همان است که در بالا ذکر شد، و تفاوتش با گفتمان، در این است که گفتمان، مسأله‌ای است مرتبط با زبان‌شناسی که درباره‌ی تعریف آن، اتفاق نظری، وجود ندارد. اما آنچه که از این دیدگاه‌های گوناگون و متضاد، می‌توان برداشت نمود، این است که گفتمان، روش بکارگیری زبان در استفاده از همه‌ی نمادها، روش‌ها، اندیشه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و ... می‌باشد، که در آن با در نظر گرفتن مسایل ویژه‌ای همچون؛ زبان‌شناختی، زیبایی‌شناختی، گوینده، موضوع، مخاطب، هدف، و ... در پی برقراری ارتباط با شنونده یا خواننده است.

هر چند که ممکن است در برخی از موارد، این دو واژه در یک معنا نیز بکار برده شوند که به نظر می‌رسد بیشتر، مقصود همان «ارتباط کلامی» و «روش‌های» آن می‌باشد. اما بطور یقین در زبان‌شناسی نوین، بین آندو تفاوت‌هایی وجود دارد؛ بدین صورت که «گفتگو» بیشتر به «مکالمه» یا همان «گفت» و «شنید» مربوط می‌شود، اما گفتمان غالباً به «مطرح کردن»، «مذاکره کرده»، «مناظره کردن» و به عبارت بهتر با «تجزیه و تحلیل» کلام، در پیوند است (ر.ک: وان دایک، بی‌تا: ۱۶/ مک‌دافل، ۱۳۸۰: ۵۸ / یارمحمدی، ۱۳۸۸: ۱).

گفتگو در قرآن کریم، در موضوع، ساختار و هدف خاصی نیست؛ بلکه در موضوع‌ها، ساختارها و هدف‌های گوناگون ارائه می‌شود. این گفتگوها بصورت مستقیم یا غیرمستقیم و در چارچوب‌های الهی یا انسانی بوده، و غالباً با استناد به دلیل و برهان، درباره‌ی صفات الهی یا رسالت پیامبران، اشیاء و پدیده‌های مادی و

معنوی، ویژگی‌ها و حالت‌های درونی اشخاص، در قالبی قصه مانند یا غیر از آن، بصورت کوتاه یا بلند و با تکیه بر مسایل خاص زیبایی شناختی و زبان شناختی از قبیل فصاحت و بلاغت، لغت، صرف و نحو و... می‌باشند.

قرآن کریم، مفهوم «گفتگو» را با واژه عربی «حوار»، سه بار بکار برده است:

مرتبۀ نخست، در بیان حالت و ذکر مثال یک مرد که بر دوست خویش در مقام گفتگو، مفاخرت نموده و از دارایی خویش، سخن رانده است:

﴿فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا﴾ (کهف /

(۳۴)

مرتبۀ دوم، در همین سوره و در پاسخ دوست آن مرد به وی در مقام گفتگو و در بیان لطف و رحمت بیکران الهی:

﴿قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا﴾ (همان / ۳۷)

مرتبۀ سوم، در سوره «مجادله» و در وصف آگاهی خداوند از گفتگوی پیامبر (ص) با زنی که از همسرش به وی، شکایت نموده است:

(قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ نَحْوَرِهَا كَمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ) (مجادله / ۱)

در زبان عربی، واژه «خطاب»، برابر گفتمان است (ر. ک: ابن منظور، ۱۴۰۸: ریشه خطب). در حقیقت، گفتمان، شکل و چگونگی کاربرد زبان است که بر حسب رویکرد، پیچیدگی، ژرفا و دایره شمولیت آن، دارای گونه‌های متعدد است: ۱. گفتمان دینی ۲. گفتمان فلسفی ۳. گفتمان اخلاقی ۴. گفتمان قانونی ۵. گفتمان تاریخی و ... (ر. ک: حسن، ۱۹۹۸: ۲۳).

البته، سخن از گفتمان فقط به این سه آیه، محدود نمی‌شود؛ بلکه قرآن کریم از این بُعد کتابی است، سراسر گفتمان که برای همه انسانها، نازل شده است و بر آن است تا با ابزار دلیل و برهان و عزت‌بخشی اسلامی و انسانی و به کمک آزادی اندیشه، به پیروان خود، اجازه دهد تا درباره همه امور و پدیده‌ها، گفتگو انجام دهند و اینکه گفته می‌شود، اسلام دینی است بدون منطق گفتمان، مغالطه‌ای

آشکار است که هدف اصلی آن، متهم نمودن اسلام به «دین شمشیر» و «زور» می‌باشد. حال آنکه تاریخ آغازین اسلام و پیوند مثبت آن با پیروان ادیان و مذاهب و تمدن‌های بزرگ، و نیز آموزه‌های قرآن، سنت پیامبر (ص) و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) این اتهام را، نفی می‌کند.

دو پرسش اساسی این پژوهش، عبارتند از:

۱. جایگاه اخلاق در گفت‌وگوهای قرآنی، چگونه است؟

۲. در حوزه بیان قرآنی، زبان قرآن، چگونه زبانی است؟

فرضیه و یافته‌های اساسی این پژوهش، چنین است که اهتمام و تأکید بر اخلاق از شاخص‌ها و محورهای اساسی جریان گفت‌وگو در قرآن است. از دیدگاه قرآن، گفت‌وگو، ابزاری برای تهذیب و کمال‌معنوی و اخلاقی انسان است و برای تحقق چنین امری، از روش‌ها و ساختارهای گوناگون زبانی بهره‌جسته است که مهمترین ویژگی آن، کاربرد «زبان ترکیبی» است. در حقیقت، قرآن کریم برای هدایت انسان به سوی کمال روحی و معنوی شیوه‌های گوناگون زبانی را به کار گرفته است. این گونه‌های زبانی را می‌توان در چند عنوان زیر خلاصه نمود:

الف) تأکید بر جنبه‌های ظاهری و باطنی کلام.

ب) استفاده از زبان منطقی و استلال.

ج) کاربرد حقیقت و مجاز.

د) استفاده از عنصر حقیقت و مجاز.

ه) بهره‌گیری از زبان احساس و عاطفه و فطرت.

و) کاربرد قصه و تمثیل.

ز) استفاده از زبان رمز و اشاره.

ح) کاربرد زبان تعلیم و تربیت. و... (ر.ک: احسانی ۲۰۱۲: ۱-۸)

در باره پیشینه پژوهش نیز لازم است که اشاره شود در این زمینه، پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است (ر.ک: احمد: ۱۳۴۷/ سیدی: ۱۹۸۷/ تسخیری: ۱۳۸۳/ اسماعیلی: ۲۰۰۴/ الطاف: ۲۰۰۴/ بلعلی: ۲۰۰۳/ پورجوادی: ۱۳۸۲/ سنگی: ۱۳۸۵/ عبدالله: ۱۳۷۸/ خفاجی: ۱۳۸۷/ زیتون: ۱۹۹۲/ کریمی: ۱۳۸۳ و...) که

هریک به صورت های مختلفی به بررسی این موضوع پرداخته اند و به نظر می رسد علامه «سید محمد حسین فضل الله» در کتاب «الحوار فی القرآن الکریم» گوی سبقت را از دیگر پژوهشگران ربوده است. روش پژوهشی نگارنده در بخش «رویکرد اخلاقی» بر اساس الگوها و چارچوب های اثر ارزشمند ایشان می باشد، هرچند که در بخش «رویکرد زبانی» از پژوهش های نوین تر و استنباطهای فردی نگارنده استفاده شده است.

۲. پردازش موضوع

۲-۱. گفت و گوی قرآنی

۲-۱-۱. گفتگو با مشرکان: از مهم ترین موضوعهای مطرح شده در صحنه اجتماع به هنگام دمیدن فجر اسلام، مسأله «شُرک» به خداوند، بوده که در پرستش بت های گوناگون، تجسم، یافته است. شیوه پردازش گفت و گوی قرآنی در این موضوع، بر پایه های زیر، استوار است (ر. ک: فضل الله، ۱۴۰۷: ۶۹-۷۵):

۲-۱-۱-۱. بیان حالت های نفسانی ایشان درباره توحید: خداوند در قرآن کریم به توصیف روانی و نکوهش رفتاری مشرکانی می پردازد که با پافشاری بر عقیده نادرست خویش، «خدایان متعددی» را به عنوان «خدای واحد» قرار داده بودند:

﴿أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ﴾ ﴿وَأَنْطَلِقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ
أَمْشُوا وَأَصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ﴾ ﴿مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ
هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ﴾ (ص/۵-۷)

۲-۱-۱-۲. دعوت مشرکان به «تحدی»: قرآن کریم در پاسخ به اتهام دروغ بودن آیات الهی از سوی مشرکان، ایشان را در آوردن آیه و سوره ای به مانند آیه ها و سوره های قرآنی به مبارزه می طلبد:

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ
اسْتَفْتَيْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (هود/۱۳)

۲-۱-۱-۳. نبود وجود دلیل منطقی برای اثبات شرک: آنچه که مشرکان به جای خدا فرا می خواندند، چیزی از زمین را نیافریده و در کار

آسمانها، مشارکتی نداشته و سندی هم برای اثبات عقیده نادرست خویش ندارند، پس چگونه می‌توان آنها را به جای خدا برگزید؟

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (احقاف/۴)

۲-۱-۱-۴. اثبات استحاله شرک از طریق ارائه دلایل متعدد

«توحید» در چارچوب‌های عقلی: اگر غیر از خدای یگانه، خدایان دیگری در آسمانها و زمین وجود داشت، هرآینه، آندو تباه می‌شدند:

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ (انبیاء/۲۲)

۲-۱-۱-۵. شناساندن «حقیقت» شرک: حقیقتی بدیهی که در مخلوق

بودن پدیده‌ها و ناتوانی آنها از آفرینش چیزی، خلاصه می‌شود:

﴿أَيُّ شَيْءٍ كُنَّ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ﴾ (اعراف/۱۹۱)

۲-۱-۲. گفتگو با ملحدان: در روزهای نخستین اسلام، مسأله «الحاد»،

نسبت به موضوع «شرک» گسترش کمتری در اجتماع داشته است؛ لذا زبان گفت‌وگوهای قرآنی با آنان، در مقایسه با مشرکان، از سبک و آرامش ویژه‌ای برخوردار است و در بیشتر موارد، بر آن است که ایشان را به اندیشه و مطالعه در کتاب آفرینش، پدیده‌ها، رازها و قانون‌های حاکم بر آن، دعوت کند (ر.ک: منبع پیشین: ۸۰-۸۶):

روش گفت‌وگوهای قرآنی در این موضوع، چنین است:

۲-۱-۲-۱. معرفی هستی بعنوان کتاب ایمان: اندیشه در آفرینش

آسمانها و زمین، گذر شب و روز، کشتی‌هایی که در دریا روانند، باران رحمت الهی و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که اندیشه می‌کنند، نشانه‌ای گویا از وجود پروردگاری یگانه و تواناست:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ

فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ
وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿بقره/۱۶۴﴾

۲-۱-۲. بیان پیوندهای «علم» و «ایمان»: زیرا از میان بندگان

خدا، تنها دانایانند که از او می ترسند:

﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر/۲۸)

۲-۱-۳. بیان پیوندهای «عقل» و «ایمان»: تأمل در آفرینش هستی،

بویژه انسان و اینکه خداوند آنها را آفریده است و ایشان را توانایی آفریدن نیست، آدمی را به سوی اندیشه و ایمان به آفریدگار یگانه، هدایت می نماید:

﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ﴾ (طور/۳۵)

۲-۱-۴. بیان بدیهی مسأله «ایمان»: بیان بدیهی بودن آفرینش انسانی

که خداوند ایشان از شکم مادرانشان- در حالی که چیزی نمی دانستند- بیرون آورده و برای آنها گوش و چشم و دل قرار داد، آدمی را به سوی ایمان به پروردگار رهنمون می سازد:

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ
وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (نحل/۷۸)

۲-۱-۳. گفتگو با منکران: منکران قیامت، نبوت و قرآن، نیز از طرف های

مهم گفتگو در قرآن کریم به شمار می آیند که شیوه های این کتاب آسمانی در گفتگوی با ایشان، اینگونه است (ر. ک: منبع پیشین: ۸۹-۹۳):

۲-۱-۳-۱. گفت و گو با منکران معاد:

انکار معاد، زمان، ویژگی، چگونگی و چرایی آن، نیز یکی از محورهای

اساسی گفت و گوهای قرآنی می باشد که عمدتاً بر روش های زیر استوار هستند:

۲-۱-۳-۱-۱. بکارگیری روش های عقلی: پاسخ خردمندانه و منطقی

به پرسش های منکران معاد درباره توانایی پروردگار در آفرینش دوباره استخوان های پوسیده از نمونه های این روش به شمار می آید:

﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ﴾ ﴿قل

يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾ (یس/۷۸-۷۹)

۲-۱-۳-۱-۲. بکارگیری روش‌های حسی: خداوند در پاسخ به تردید منکران معاد از مثال‌ها و نمادهای ملموسی از جمله چگونگی شکل‌گیری آفرینش انسان، بهره می‌گیرد:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ ... ﴾ ﴿ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُخِيبِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾ ﴿ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِي الْقُبُورِ ﴾ (حج / ۵-۷)

۲-۱-۳-۱-۳. تفسیر معاد در چارچوب حکمت الهی: آفرینش انسان، بیهوده نبوده؛ بلکه براساس حکمت و مصلحت الهی بوده است:

﴿ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴾ (مؤمن / ۱۱۵)

۲-۱-۳-۱-۴. بیان تصورات باطل منکران: توصیف گمان باطل و ناآگاهانه منکرانی که فکر می‌کردند، این روزگار است که ایشان را می‌میراند:

﴿ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴾ (جاثیه / ۲۴)

۲-۱-۳-۲. گفت‌وگو با منکران نبوت:

۲-۱-۳-۱-۱. بیان تاریخ واقعی رسالت پیامبران؛ به مانند داستان حضرت صالح (ع) و منکران رسالت ایشان که وی را به سحر متهم نموده و برای اثبات رسالتش از او درخواست آوردن معجزه می‌نمودند:

﴿ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴾ ﴿ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴾ (شعراء / ۱۵۳-۱۵۴)

در سوره انبیاء و در ردّ منکران نبوت پیامبر اسلام (ص)، چنین می‌فرماید:

﴿ بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتِرَاءُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ ﴾ (انبیاء / ۵)

در همین سوره و در ردّ اتهام شاعر بودن پیامبر (ص) به ذکر رسالت مردان پاکی چون پیامبران پیشین (علیهم السلام)، اشاره می‌کند و اینگونه می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (همان/۷)

۲-۱-۳-۲. تفسیر تصورات باطل ایشان درباره نبوت: منکران نبوت، بر این باور نادرست بودند که چرا پیامبر (ص) غذا می خورد و در بازارها راه می رود و چرا فرشته ای به سوی او نازل نشده تا همراه وی هشدار دهنده باشد؟

﴿وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا مَلَكًا فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا﴾ (فرقان/۷)

سپس قرآن کریم، ضمن ادامه این بحث که درباره «غذا خوردن»، «راه رفتن» و «عدم همراهی فرشته ای محسوس با پیامبر (ص)» می باشد، با استناد به تاریخ گذشته دیگر پیامبران (علیهم السلام) چنین می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا﴾ (فرقان/۲۰)

گفتگو با منکران قرآن:

۲-۱-۳-۳. دعوت منکران به تحدی درباره آوردن معجزه ای

همچون قرآن:

﴿قُلْ لَنْ أَجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ (إسراء/۸۸)

۲-۱-۳-۴. بکارگیری عنصر عقل و منطق که شامل شرح تاریخ

زندگی پیامبر (ص) در سه بُعد اساسی زیر است:

بُعد نخست: معرفی شخصیت فرهنگی پیامبر (ص)، پیش از نزول

قرآن که فردی «آمی» بوده است:

﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَازِتَابِ الْمُؤْتَلِّينَ﴾ (عنکبوت/۴۸)

بعد دوم: توجه به تاریخ زندگی پیامبر(ص) و قومش، پیش از نزول قرآن:

﴿قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (یونس/۱۶)

بعد سوم: معرفی محیط فرهنگی زمان پیامبر(ص): محیطی که در نادانی و گمراهی، خلاصه می شده است:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (جمعه/۲)

ب- نپذیرفتن عقیده نسبت قرآن به فردی اجمعی، علیرغم اینکه پیامبر(ص) زبانی غیر از زبان عربی نمی دانسته است:

﴿وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنََّّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ لِإِيَّهِ الْعَجْمِيَّةُ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ﴾ (نحل/۱۰۳)

۲-۱-۴. **گفت‌وگوی قرآن با اهل کتاب:** اسلام در برابر اهل کتاب، از موضع همزیستی مسالمت آمیز، سخن رانده و بر آن بوده است تا ضمن پرهیز از موضع احساسی و عاطفی، با آنان از طریق استدلال و برهان و در فضایی آرامش، عزت و احترام متقابل، با ایشان گفت‌وگو کند. رویکرد اخلاقی این گفت‌وگوها، چنین است (ر. ک: منبع پیشین: ۱۷۳-۲۰۱):

۲-۱-۴-۱. **دعوت به وحدت در اصول و مبانی مشترک از قبیل توحید و معاد:**

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران/۶۳)

۲-۱-۴-۲. **بکارگیری روش‌های درست و نیک در جدال با آنان:** خداوند در قرآن کریم، مسلمانان را در تعامل با اهل کتاب به بهره گیری از جدال احسن و تکیه بر اصول مشترک فرا می خواند:

﴿وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ (عنکبوت/۴۶)

۲-۱-۴-۳. مطرح نمودن مسأله نبوت پیامبر (ص) با آنان: قرآن کریم برای مطرح کردن موضوع نبوت پیامبر گرامی اسلام (ص) با اهل کتاب، به بشارت حضرت عیسی (علیه السلام) درباره پیامبری آن حضرت، اشاره می نماید:

﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾ (صف/۶)

۲-۱-۴-۴. ردّ برخی از افکار ایشان با استناد به تورات: خداوند در قرآن کریم به برخی از اندیشه ها و گمان های نادرست و باطل اهل کتاب درباره احکام دینی ایشان اشاره نموده و آن را نمونه ای آشکار از دروغ بستن به خداوند می داند:

﴿كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ فُلْ قَاتُوا بِالْتَّوْرَةِ فَاثْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ ﴿فَمَنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (آل عمران/۹۳-۹۴).

۲-۱-۴-۵. شرح درخواست های نامعقول یهود در حال و گذشته: اهل کتاب از پیامبر (ص) می خواستند که کتابی از آسمان، یکبار به بر آنان فرود آورد، البته از حضرت موسی (علیه السلام) درخواستی بزرگتر از این را می خواستند. آنجا که می گفتند: خدا را آشکارا به ما بنمای:

﴿يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتِ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَأَتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُبِينًا﴾ (نساء/۱۵۳)

۲-۱-۴-۶. روشنگری درباره کینه های تاریخی یهود: قوم یهود، همواره با پیامبران الهی از روی کینه، دشمنی و نادانی رفتار می نمودند:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (آل عمران/۶۵)

۲-۱-۴. بیان حقیقت و نیت درونی برخی از اهل کتاب با وجود شناخت حقیقت از سوی ایشان: تحریف پیام‌ها و آموزه‌های الهی، نمونه‌ای از این نفاق درونی ایشان بوده است:

﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۷۵)

۲-۱-۴. بکارگیری اسلوب موعظه: فراخوانی ایشان به اندیشه در نعمت‌ها و لطف‌های الهی، روشی برای آگاهی بخشی به ایشان بوده است:

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُون﴾ (بقره/۴۰)

۲-۱-۴. گفتگو درباره آفرینش حضرت مسیح (ع) و قضیه تثلیث: خداوند در قرآن کریم و در ضمن بیان عقیده یهود درباره عزیر پیامبر (علیه السلام) به نکوهش عقیده نادرست نصاری در خصوص آفرینش حضرت مسیح (علیه السلام) و قضیه تثلیث می‌پردازد و آن را نمونه‌ای آشکار از رفتار کفرآمیز و شرک‌آلود ایشان می‌داند:

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عَزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ (توبه/۳۱)

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ ﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (مائده/۷۳-۷۴)

۲-۱-۴. دعوت به مباحله بعد از مسدود شدن راههای گفتمان: هدایت جریان مباحله به سوی پروردگار، شهادی گویا در گرایش اسلام به یگانه پرستی و پرهیز از خشونت می‌باشد:

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ
أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ
اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (آل عمران/۶۱)

۲-۱-۵. گفتگو در موضوع های گوناگون و در چارچوب روش
پرسش و پاسخ (ر. ک: فضل الله، ۱۴۱۷: ۲۱۵/ جرار، ۱۹۸۸م: ۸۴-۸۵):
۲-۱-۵-۱. طرح پرسش از سوی پیامبر(ص):

﴿وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا
لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (عنكبوت/۶۳)
۲-۱-۵-۱-۱. طرح پرسش از دیگران و پاسخ از سوی پیامبر(ص):
﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾
(إسراء/۸۵)

۲-۱-۵-۱-۲. پرسش و پاسخ از سوی پیامبر(ص):

﴿قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ...﴾ (أنعام/۱۹)

۲-۱-۶. گفتگو در چارچوب قصه: گفتگوهای قرآن کریم در اسلوب
قصه، به روش خاصی محدود نمی شود؛ بلکه در رنگ ها و اسلوب های متنوعی،
تجلی یافته است. این گفتگوها که بیشتر به شرح تاریخ زندگی پیامبران و
ملک های گذشته می باشند، در قالب های کوتاه یا بلند و با رعایت وحدت
موضوعی یا بصورت پراکنده، و در شخصیت های متعدد، ارائه شده است (ر. ک:
فضل الله، ۱۴۱۷: ۳۲۹-۴۱۲/ عبدربه، ۱۹۷۲: ۴۴/ خلف الله، ۱۹۷۲: ۱۹/ حسینی،
۱۴۱۶: ۶۵-۸۶/ شاکر، ۱۳۸۱: ۲۳۹).

مهمترین موضوع های این گفتگوها عبارتند از:

۲-۱-۶-۱. گفتگوهای رسالت، با پیامبرانی همچون: آدم، هود، صالح، شعیب،
یوسف، زکریا، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (علیهم السلام) و ...

۱-۶-۲. گفت وگوهای اخلاقی: به مانند گفت وگو حضرت یوسف(ع) با زن
عزیز مصر، پدر و برادرانش. (سوره یوسف).

۱-۶-۳. گفتگوی بین قایل و هابیل (ر. ک: سوره مائده/ ۲۸-۳۱).

- ۱-۶-۴- گفتگوی بین طالوت و جالوت (ر. ک: سوره بقره / ۲۴۶-۲۴۹).
- ۱-۶-۵- گفتگوی بین حق و باطل: مانند گفتگوی موسی و قارون (ر. ک: سوره قصص / ۷۶-۷۹، عنکبوت / ۳۹، غافر / ۲۴).
- ۱-۶-۶- گفتگوی بین انسان و حیوان: مانند گفتگوی سلیمان(ع) با هدهد (ر. ک: نمل / ۲۰-۲۸).
- ۱-۶-۷- گفتگوی بین انسان و جن در گفتگوی سلیمان(ع) با «جَنی» که عرش ملکه سبا را حاضر نموده بود (ر. ک: همان / ۳۹-۴۱).
- ویژگی‌های زبانی این گفت‌وگوها عبارتست از:
- الف. توجه به عناصر ادبی - هنری قصه و تمثیل از قبیل: زمان و مکان، شخصیت‌های اصلی و فرعی قصه، قهرمان قصه، فضای حاکم بر قصه، حسن ابتداء، حسن انتهاء، گره‌های قصه، پیام قصه و ...
- ب. رعایت وحدت موضوعی و ساختاری و پرهیز از انحراف و از هم گسیختگی در موضوع.
- ج. توجه به عناصر جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در تصویرسازی محیط و شخصیت‌ها.
- د. بکارگیری امثال و حکم و زبان منطقی و استدلال.
- ه. پیوند میان عقل و عاطفه، خیال و واقعیت.
- و. توجه به عناصر زیبایی‌شناختی و زبان‌شناختی از قبیل؛ حقیقت و مجاز، تشبیه و استعاره، رمز و اشاره، لغت، صرف و نحو و ...
- ۱-۲- رویکرد زبانی گفت‌وگوهای قرآنی:** زبانی که قرآن کریم برای رساندن افکار و مفاهیم به ذهن مخاطبانش بکار برده است، تأثیر بسیار مهمی در گسترش و پذیرش جهانی آن داشته است. دعوت به اندیشه، تأکید بر مشترکات ادیان و مذاهب با تکیه بر زبان فطرت از جمله ویژگی‌های زبان قرآن در گفت‌وگوی با دیگران به شمار می‌آیند. براساس همین روش، قبایل و لهجه‌های پراکنده عرب را به ملت و زبانی واحد؛ بلکه تمدنی بزرگ، تبدیل نمود.

زبان قرآن در جریان گفت و گوها، «زبانی ترکیبی» است. یعنی بر حسب موضوع و مخاطب، شیوه یا شیوه های خاصی بکار رفته است. زبان گفت و گوی قرآن با مشرکان، متفاوت با زبان گفت و گوی با منکران یا اهل کتاب است. به عنوان نمونه، قرآن کریم، برای بیان اندیشه های دینی، از فصاحت و بلاغت زبان عربی بهره فراوان گرفته است که این مسأله، نقش بسیار مهمی در «اقناع مخاطب» داشته است. دقت در انتخاب واژگان در سراسر این کتاب، مشهود است. به عنوان نمونه، ظرافت قرآن، جهت برقراری ارتباط با اهل کتاب در این آیه از سوره آل عمران با تأکید بر واژه «کلمه مشترک» (زبان فطرت و پرستش) به خوبی، دیده می شود:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ ...﴾

و این «کلمه» مشترک، چیزی جز پرستش یگانگی ذات خداوند نیست:

﴿... أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ ...﴾ (آل عمران/۶۳)

و یا به عنوان نمونه های دیگر، زبان قرآن کریم در آیه های زیر که در خطاب به اهل کتاب آمده است، همراه با احترام و عاطفه است:

- ﴿وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ ...﴾ (عنکبوت/۴۶)

- ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ ...﴾ (آل عمران/۶۴)

- ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ ...﴾ (اعراف/۱۵۷)

- ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ ...﴾ (بقره/۱۴۶)

- ﴿يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ ...﴾ (نساء/۱۵۳)

- ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ ...﴾ (مائده/۵۹)

بنابراین، در می یابیم زبانی که خداوند برای برقراری پیوند با اهل کتاب و یا خطاب به آنها برگزیده است، زبانی است که در مرتبه نخست، براساس فطرت انسانی مشترک (زبان مشترک) و در مرتبه دوم، براساس استدلال و برهان استوار است (زبان برهان و استدلال). افزون بر این، عزت و احترام متقابل، تعامل درست

انسانی، پرهیز از اجبار و خشونت (زبان قدرت) و آرامش در برقراری پیوند با دیگران در کنار فصاحت و بلاغت لفظی و معنوی (قدرت زبان) از ویژگی‌های دیگر این زبان، به شمار می‌آیند.

حال آنکه اهل کتاب - جز گروه اندکی از ایشان - در برابر چنین زبانی به روش‌های گوناگونی با اسلام، به دشمنی، کینه، جنگ، تهمت، ریشخند، انکار، تهدید، تحریف، بهانه و ... روی آورده‌اند. بازداشتن مسلمانان از راه ایمان و تصمیم بر منحرف کردن آنان از مسیر هدایت، نمونه‌ای از این رفتار نادرست اهل کتاب در تعامل با اسلام بوده است:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَن آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ﴾ (آل عمران/ ۹۹-۱۰۰)

از این رو تأکید بر موضوع اخلاق و معنویت و اهتمام به رشد و کمال انسانی و کاربرد «زبان ترکیبی» از شاخص‌های اساسی گفت و گوهای قرآنی به شمار می‌آید.

۴- نتیجه، پیشنهاد و راهکار

(۱) اسلام، دین گفت و گو می‌باشد و برای همه بشریت آمده است (جهان شمولی). و قرآن، منبع اصلی این گفت و گوها به شمار می‌آید. بنابراین، شایسته است، آموزه‌های اخلاقی این کتاب را اساس و معیار گفت و گوهای خود با دیگر ملت‌ها قرار دهیم، و برای این امر لازم است که در آغاز، ویژگی‌های گوناگون «زبان اخلاقی قرآن» را مورد بررسی قرار دهیم.

(۲) موضوع‌ها و روش‌های گوناگون گفت و گو در قرآن کریم، دیدگاه کسانی که اسلام را به غلط به عنوان دین شمشیر و ترور، معرفی می‌کنند، نفی می‌کند. بنابراین، اگر چه قرآن کریم برای گفتمان با دیگر تمدن‌ها و آیین‌ها، منبعی اساسی به شمار می‌آید، اما به نظر می‌رسد، در آغاز این مهندسی فکری، پژوهش عمیق در آموزه‌های اخلاقی آن، در کنار گسترش گفتمان‌های داخلی

بین گروهها و فرقه های مذهبی در جهان اسلام، دو مسأله ضروری برای آغاز گفت و گو با دیگر ملت ها و آیین ها هستند.

(۳) برای برقراری ارتباط و گفت و گو در چارچوب اخلاق، با دیگر آیین و تمدن‌ها، شایسته است، از مفهوم های زیر که در سبک های گفتمانی قرآن کریم دیده می شود، استفاده کنیم. توجه به ساختار های اخلاقی، تأکید بر مشترکات انسانی و دینی، احترام به عزت و کرامت انسانی، بکارگیری عنصر استدلال و برهان در موضوع و روش پرهیز از؛ اجبار، خشونت، تفرقه، وابستگی های منفی دینی و نژادی، آگاهی از شیوه ها، روش ها و بخش های گفت گو از قبیل؛ مخاطب، موضوع، روش و

(۴) اهتمام به «کمال معنوی» و «رشد اخلاقی» انسان می تواند، موضوع مناسبی برای شروع و پیشبرد گفت و گو با دیگر آیین ها باشد.

(۵) زبان اخلاقی گفت و گوهای قرآنی نه «زبان قدرت؛ بلکه بر «قدرت زبان»، «زبان برهان» و «زبان مشترک» (فطرت) استوار است. بنابراین درک ساختارهای این زبان می تواند پشتوانه ای مناسب برای مسلمانان، در مسیر گفت و گوها باشد.

(۶) پیام بیشتر گفت و گوهای قرآنی در چارچوب اخلاق؛ کمال و رستگاری انسان می باشد که لازمه ی جهانی نمودن این اخلاق قرآنی؛ خودآگاهی، پذیرش گوناگونی ها و تفاوت ها، تأکید بر ساختارها و محورهای مشترک، اصلاح پیوندها، فهمیدن درست دیگران، گفت و گوی مبتنی بر اخلاق، آزادی و اختیار، است.

(۷) در ساختار اخلاقی اسلام، گفت و گو مکانیسمی برای؛ تنش زدایی، پرهیز از دشمنی و ستیزه جویی، خرد گرایی در پیوند با دیگران و رفع آسیب ها و مشکلات، است.

(۸) در آئینه ضمیر مسلمانان، ادبیات گفت و گو در قرآن کریم، ادبیاتی است که در مسیری الهی گام بر می دارد و دارای ویژگی هایی مثل؛ رسالت، تعهد، مسؤولیت، و گرایش هایی همچون، انسان دوستی و جهان شمولی می باشد که از صف آرای، موضع گیری، توجیه نادرست، تعارض، و تناقض بدور است.

(۹) در گفت و گوهای قرآنی؛ توجه به موضوع‌هایی همچون؛ پایبندی به ساختارهای اخلاقی و ارزش‌های انسانی، حاکمیت اندیشه، خداگرایی، واقع‌گرایی، حقیقت‌خواهی، همه‌سونگری، و پرهیز از بزرگ‌نمایی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

(۱۰) تهیه و تنظیم یک منشور اخلاقی که در آن ساختارهای اخلاقی؛ موضوع، گوینده، و روش، روشن باشد، امری ضروری به نظر می‌رسد. موضوع گفت و گو در این منشور اخلاقی می‌تواند، دارای ویژگی‌های زیر باشد؛ جامعیت، هدایت‌کننده، نیکو، برخوردار از نیروی برهان و استدلال، در چارچوب مشترکات انسانی، و... باشد. نیروی اجرایی گفت و گوی ادیان و تمدن‌ها نیز شایسته است که از خوی‌های زیر بهره‌گیرند؛ آگاهی، ایمان، اخلاص، سعه صدر، پایداری، امید، پشتکار، قاطعیت، شجاعت، انتقادپذیری، اراده، عدالت، در گفتار و کردار، هدایت‌کننده، نرم‌خویی، مهربانی، دلسوزی، عزت‌نفس، کرامت انسانی، راستگویی، فروتنی، نظم در کارها، خدامحوری، انسان‌مداری، پذیرش دیگران، اندیشه عمیق، احترام به حقوق انسانها، آزادی‌خواهی، سعادت‌خواهی، نفی‌کننده جنگ و خشونت، کمال‌جویی، انسجام در امور، افق‌گشایی، تحوّل‌آفرینی، دعوت‌کننده به وحدت، بیان نیک و رسا، شناسای خیر و شر، رعایت‌کننده اعتدال در امور، صفای باطن، نیت‌خالص، صلح‌خواهی، امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر، آشنای به تاریخ ادیان و آموزه‌های دینی، پرسشگر، پاسخگو، و... پرهیز از؛ فراموشی یاد خدا، خود بزرگ‌بینی، خودمحوری، کوچک‌شمردن دیگران، جانبداری و تعصب بی‌جا، چاپلوسی، تجمل‌گرایی، بی‌عدالتی، ستمگری، تهمت، استبداد در اندیشه و عمل، تحلیل و تفسیر سطحی و نادرست، غفلت، انتقام‌جویی، برتری‌جویی دینی و نژادی، قدرت‌طلبی، گرایش‌طلبی، کوتاهی و زیاده‌روی، تقلید کورکورانه، بی‌خبری، حسادت، دروغ‌جویی، پیش‌فرض نادرست، زودباوری، فرار از مسؤلیت‌های واگذار شده، انگیزه‌های فردی، لجاجت، مشاجره، خودستایی، دنیا‌دوستی، انحصارگرایی، شناخت نادرست و....

روش های این منشور اخلاقی نیز می تواند، دارای ویژگی های زیر باشد؛ برنامه ریزی در کارها، یادآوری فطرت انسانی، بازسازی اخلاق، برانگیختن عاطفه های فراموش شده، بیدارگری وجدان های غافل، استفاده ای از تاریخ، بکارگیری عنصر تشویق، بهره مندی از؛ برهان، هنر مقایسه، معرفی الگوهای اخلاقی، بیان مشترکات، احترام به دیگران و شناخت درست از آنان، یاری خواستن از پروردگار بلند مرتبه، پرهیز از دنیا گرایی و برتری خواهی، تجزیه و تحلیل درست از گذشته، حال و آینده، شناخت آموزه های دینی، خرد ورزی در برنامه ریزی، گسترش منطق درک مفاهیم دینی، روش شناسی مستمر اندیشه ها و ساختارهای اخلاقی، روش شناسی پژوهش گفتمان در چارچوب دین، روش شناسی مدیریت اخلاقی، جامع نگری و سیستم نگری در بیان آموزه های دینی، روش شناسی پیشرفت تدریجی در پژوهش ها و گفت و گوها، و روش شناسی ارزیابی پیوسته از مراحل گفتمان.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابراهیم فرج، خلیل (۱۴۲۸)؛ *الحوار فی القرآن الکریم ... آداب و فضائل*. www.islamport.com
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۸)؛ *لسان العرب*، تحقیق: علی سیری، الطبعة الأولى، بیروت.
- احسانی، محمد (۲۰۱۲)؛ *زبان قرآن و تعلیم و تربیت*، مجله معرفت شماره ی ۱۳۰. www.marif.nashriyat.ir
- احمد، خورشید (۱۳۴۷)؛ *اسلام و غرب*، ترجمه: سید غلامرضا سعیدی، چاپ اول، تهران، دارالتبلیغ قم و شرکت سهامی انتشار.
- *اخلاقية الأسلوب فی الحوار الدینی* (۱۲ / ۴ / ۲۰۰۷ م) www.balagh.com

- اسماعیلی، رضا (۲۰۰۴)؛ پارادایم گفت‌وگویی فرهنگ‌ها. www.e-resaneh.com
- الطاف‌علی، سلطان (۲۰۰۴)؛ اسلام و گفت‌وگویی تمدنها. www.eresaneh.com
- بلعلی، آمنه (۲۰۰۳)؛ الإقناع: المنهج الأمثل للتواصل و الحوار من القرآن و الحديث، مجلة التراث العربي، اتحاد الكتاب العرب، دمشق، العدد ۸۹، السنة ۲۳.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۸۲)؛ ۱۱ سپتامبر و گفت‌وگویی ادیان، نشر دانش، مرکز نشر دانشگاهی، شماره ۱۰۶/۳.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۳)؛ ایده‌های گفت‌وگو با دیگران، ترجمه: محمد مقدّس، چاپ اول، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی.
- _____، (۱۳۸۵)؛ النظام العاملي الجديد و دور الأعلام بأنواعه في عرض صورة الإسلام، مجلة آفاق الحضارة الإسلامية، طهران، معهدالعلوم الإنسانية و الدراسات الثقافية، العدد ۱۷، السنة ۹.
- تمام، حسام (۲۰۰۷م)؛ حوار الأديان، ضرورة انسانية، أم مؤامرة عالمية؟! www.islamonlin.net
- الجويلي، نصر (۱۳۸۴)؛ حوار الحضارات (المبادئ و الأهداف) مجلة آفاق الحضارة الإسلامية، طهران، معهدالعلوم الإنسانية و الدراسات الثقافية، العدد ۱۵، السنة ۸.
- جرار، مأمون فريز (۱۹۸۸)؛ خصائص القصة الإسلامية، جدة.
- حسيني، سيدجعفر (۱۴۱۶)؛ تاريخ الأدب العربي (أدب صدر الإسلام)، قم، درالاعتصام.
- حنفي، حسن (۱۹۹۸)؛ تحليل الخطاب، المؤتمر العلي الثالث، تحليل الخطاب العربي (بحوث مختاره) الطبعة الأولى، عمان، جامعة فيلادلفيا.

- خفاجی، باسم (۱۳۸۷)؛ **مشكلة الفكر الغربیّ مع نبی الإسلام (ص)**؛ مجلة آفاق الخصاراة الإسلامية، معهد العلوم الإنسانية و الدراسات الثقافية، العدد (۲۲)، السنة (۱۱).
- خلف الله، محمد (۱۹۷۲)؛ **الفن القصصی فی القرآن الکریم**، القاهرة.
- دهخدا، علی اکبر (بی تا)، **لغت نامه دهخدا**، افست دانشگاه تهران.
- الرافعی، مصطفى صادق (۱۹۲۸)، **اعجاز القرآن و البلاغة التّبویة**، الطبعة الثالثة، بیروت، دارالکتاب العربی.
- زیتون، علی مهدی (۱۹۹۲)؛ **اعجاز القرآن و أثره فی تطور النقد الأدبی**، الطبعة الأولى، بیروت، دارالمشرق.
- سنگی، مریم السادات (۱۳۸۵)؛ **دین، گفت و گوی تمدن ها و راهکارهای برون رفت از آسیب ها و مشکلات انسان معاصر**، مجموعه مقالات همایش انسان معاصر، دین و کارکردهای آن، دانشگاه مازندران.
- سیدی، سید حسین (۱۹۸۷)؛ **زبان قرآن**، مجموعه مقالات همایش ملی بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۱)؛ **قرآن در آیه پژوهش، مقالات علمی - پژوهشی فارغ التحصیلان دکتری تخصصی، دفتر سوم، چاپ اول، تهران، هستی نما** (مقاله جلوه های ادبی و هنری داستان های قرآن کریم، خلیل پروینی).
- شوقی ضیف (بی تا)؛ **الفن و مذاهبه فی النثر العربی**، الطبعة الثانية عشرة، مصر، دارالمعارف.
- صادقی، مصطفى (۱۳۸۵)؛ **برخورد مسالمت آمیز پیامبر با یهود**، فصلنامه تخصصی دانشگاه باقر العلوم، سال ۷، ویژه نامه پیامبر اعظم.
- عبدالله، أحمد (۱۳۷۸ ه. ش)؛ **حوار الأديان** (أسئلة مشروعة و إجابات صعبة)؛ مجلة آفاق الحضارة الإسلامية، معهد العلوم الإنسانية و الدراسات الثقافية، العدد (۲۲) السنة (۱۱).
- عبدربه، عبدالحافظ (۱۹۷۲)؛ **بحوث فی قصص القرآن**، بیروت.

- عقله فرسان، علی (۲۰۰۳)؛ *منهج المناظرة فى التراث و ادبیات الحوار*، مجلة التراث العربی عن اتحاد الكتاب العرب، دمشق، العدد ۹۱، السنة ۲۳.
- فراستخواه، مسعود (۱۳۷۶)؛ *زبان قرآن*، چاپ اول، تهران، علمی-فرهنگی.
- فضل الله، محمدحسین (۱۴۰۷)؛ *الحوار فى القرآن الکریم*، الطبعة الخامسة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- کرمی فریدنی، علی (۱۳۸۳)؛ *ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن*، چاپ چهارم، قم، نسیم انتظار.
- محمودزاده، شکوه (۲۰۰۴)؛ *ملاحظاتى درباره نظریه رویارویی تمدن‌ها*. www.Falsafeh.com
- مک‌دائل، دایان (۱۳۸۰)؛ *مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان*، ترجمه: حسینعلی نوذری، چاپ اول، تهران، فرهنگ گفتمان.
- مهدوی کنی، صدیقه (۱۳۸۱)؛ *زبان‌شناسی قرآن*، گلستان قرآن، شماره ۱۷۳.
- میرزایی، فرامرز و ناهید نصیحت (۱۳۸۴)؛ *روش گفتمان کاوی شعر*، مجله الجمعية العلمية الإيرانية للغة العربية و آدابها، شماره ۴.
- نیکزاد، عباس (۱۳۸۵)؛ *پاسخ به شبهه افکنی پاپ در مورد پیامبر اعظم*، مجله اندیشه تقریب، سال سوم، ویژه نامه پیامبر اعظم ۲، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- وان‌دایک، تئون‌ای (بی‌تا)، *مطالعاتی ردّ تحلیل گفتمان*، ترجمه: پیروز ایزدی و دیگران، چاپ اول، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳)؛ *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، چاپ اول، تهران، هرمس.